

در دنیای امروز مسئله ازدواج کردن یا مجرد ماندن تقریباً هیچ فرقی با هم ندارد، و معنی و مفهوم خود را از دست داده است. بعضی اشخاص متأهل نسبت به همسرشان وفادار نیستند و با دیگران نیز در رابطه نامشروع به سر می برند. از طرفی دیگر افراد مجردی هستند که بیرون از رابطه ازدواج با دوست دختر یا پسرشان در رابطه نادرست هستند و حتی با هم دیگر زندگی می کنند. ولی کلام خدا واضحاً در مورد ازدواج و مجرد صحبت می کند.

پولس رسول در اول قرن نهمین 7 : 32 - 34 می فرماید:

"آرزوی من این است که شما از هر نوع نگرانی به دور باشید. مرد مجرد به امور الهی علاقه مند است و می خواهد خداوند را خشنود سازد. اما مرد متأهل به امور دنیوی علاقه مند است و می خواهد همسر خود را خشنود سازد و به این سبب او به دو جهت کشیده می شود. همان طور، یک زن مجرد یا یک دوشیزه به امور الهی علاقه دارد و مایل است در جسم و روح مقدس باشد، اما زن شوهردار به چیزهای دنیوی دلبستگی دارد، یعنی می خواهد شوهر خود را خشنود نماید".

وقتی که این قسمت را می خوانیم انگار پولس رسول به ما می گوید که مجرد بودن برای ما بهتر است و اولویت دارد. چون وقتی که مجرد هستیم، می توانیم وقت بیشتری به خداوند بدهیم. و او را به طور وسیعتری و با انرژی بیشتری خدمت کنیم. ولی باز ممکن است این سوال پیش آید که بالاخره ازدواج خوب است یا بهتر است که مجرد بمانیم؟

چند آیه قبل در اول قرن نهمین 7:7 پولس می فرماید:

"کاش همه شما در این مورد مانند من باشید، اما خداوند به هر کس استعداد خاصی داده است، به یکی، یک جور و به دیگری به نحوی دیگر".

پس، به خاطر وجود وسوسه ها و حضور یک شریک زندگی بهتر است که ازدواج کنیم. ولی اگر از طرف خدا این هدیه به ما داده شود که مجرد بمانیم، باز این کار خدا بهتر است. ولی هر کسی که این خواندگی را ندارد بهتر است که ازدواج کند. پس، باید بدانیم که مجرد بودن هیچ گناه و لعنت از طرف خدا نیست. به همان اندازه که ازدواج هدیه خداوند است، به همان اندازه مجرد بودن هم هدیه خداوند است. همچنین ازدواج نیز فقط برای ارضای لذات جسمانی نیست، بلکه هدیه ای از جانب خداوند است، که آن هم مسوولیت های خاص خود را دارد.

"به عنوان کسی که برکات گوناگون خدا را یافته است، استعدادهای و عطایای خود را برای خیریت دیگران به کار ببرید". اول پطرس 4: 10

خداوند در دادن هر یک نوع هدیه هدف خاص خود را دارد که دیگران را با محبت خدمت کنیم.

1. یک شخص مجرد هیچ گاه تنها نیست چون به خانواده میسح تعلق دارد.

"مردی را که از تو مسن تر است سرزنش نکن بلکه او را طوری نصیحت کن که گویی پدر توست. با جوانان مثل برادران. بیوه زنها و با زنهای پیر مانند مادران و با زنهای جوان مثل خواهران خود با کمال پاکدامنی رفتار کن". اول تِماتیوس 5: 1-2

یک شخص مجرد تنها یا دور افتاده نیست، چونکه با پیوستن به خانواده خداوند می تواند خود را عضوی از آن خانواده ببیند که در آن نه فرهنگ، مقام، و نه نژاد مطرح است، بلکه با محبت خدا همدیگر را مانند خواهر و برادر دوست می دارند. وقتی که به عیسی خبر دادند که مادر و برادرانش بیرون منتظرند تا با او صحبت کنند، عیسی جواب داد که:

«مادر من کیست؟ برادرانم کیانند؟» و به شاگردان خود اشاره کرده فرمود: «اینها مادر و برادران من هستند. هر که اراده پدر آسمانی مرا انجام دهد برادر من، خواهر من و مادر من است». متی 12:48

این آیه خیلی تسلی بخش است، چرا که امروز در جاهای مختلف دنیا افرادی هستند که دور از خانواده اشان به سر می برند. ولی خدا را شکر که ما خانواده روحانی داریم که کلیسا و گروه های خانگی هستند و با پیوستن به آنها می توانیم در مسیح خواهران و برادران صمیمی داشته باشیم.

2. یک شخص مجرد وقت بیشتری برای خدمت خداوند دارد.

وقتی که ازدواج می‌کنید، باید بتوانید بگویید، من آماده هستم که به عنوان پدر یا مادر بزرگترین قسمت خدمت را به خانواده ام و تربیت کردن فرزندان تقدیم کنم؛ که خودش به نوعی خدمتی است که خداوند را جلال می‌دهد.

ولی اشخاص مجرد با تمام منابع و امکانات خود می‌توانند خیلی برای خداوند، کلیسا و دیگران مایه باشند. چون طبیعتاً در مجرد شخص وقت آزاد بیشتری دارد، و خودش تصمیم می‌گیرد که وقتش را چگونه و در کجاها صرف کند. مسئولیت‌های بسیاری که در متاهل بودن وجود دارد، مسلماً در مجردی وجود ندارد. آیا ما از اعطای مجرد مان به طور درستی برای کار خدا استفاده می‌کنیم؟ زندگی که در حال حاضر به عنوان مجرد دارید، بیهوده تلف نکنید بلکه از وقت خود برای ملکوت خداوند استفاده کنید. در مجرد بودن قدرت خاصی هست که اگر از آن به صورت درستی و برای خدمت خدا استفاده نشود دشمن تمامی سعی خود را می‌کند تا انرژی و وقت ما را برای کارهای پوچ و بیهوده مانند خوشگذرانی‌های زودگذر صرف شود.

روابط عمومی و رسانه‌های گروهی نیز سعی می‌کنند که جوانان را به این باور برسانند که رابطه دخترها و پسرها فقط برای وقت گذراندن، تفریح و خوش گذرانی است. بدون فکر و تصمیم ازدواج می‌توانند رابطه جنسی با هم داشته باشند و برای شهوت جسم خود از این طریق ارزا شوند. در دنیای امروز رابطه دختران و پسران، به قدری ختشته دار شده است که در آن صداقت و پرهیزکاری رنگ و بوی خود را از دست داده است. و اگر هم به نوعی در یک رابطه به نتیجه دلخواه خود نرسیدند، می‌توانند برای همیشه و با وجود تمام ناراحتی‌هایی که از آن رابطه در آنها می‌ماند، بی‌خیال باشند و به یک رابطه جدید پناه برند. ولی وقتی که در بدن مسیح قرار می‌گیریم، یک تصویر جدیدی از این رابطه برای ما ایجاد می‌شود. در بدن عیسی مسیح، رابطه‌آشنایی دختر و پسر، می‌تواند یک رابطه خالص و بی‌ریا باشد که در نهایت به یک ازدواج موفق ختم شود.

"هم شکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است، بشناسید". رومیان 2: 12

برای جوانان و مخصوصاً جوانان مسیحی، موضوع حد و مرز در رابطه دختر و پسر یک سوال مهمی است. کتاب مقدس خیلی در این مورد واضح صحبت نمی‌کند. ولی به سه نوع رابطه اشاره می‌شود:

- رابطه خدا و فرزندان
- رابطه والدین و فرزندان
- رابطه شوهران و زنان

مفهوم دیتینگ یا رابطه‌آشنای دختر و پسر تا قبل از 80 سال پیش وجود نداشت. در هر دهکده و شهری اشخاصی بودند که برای دختران یا پسران زوج مناسبی را پیدا می‌کردند. یا والدین با هم دیگر تصمیم می‌گرفتند تا بهترین شخص را برای فرزندان‌شان انتخاب کنند. سپس در سال 1920، فیلم، وسایل نقلیه و خیلی چیزهای دیگر ساخته شد که باعث پدید آمدن مشاغل بیرون از خانه و خانواده شد؛ و در نهایت ایجاد رابطه‌های شخصی. داشتن رابطه‌آشنایی برای یک هدف مخصوص یعنی مسیری برای رسیدن به ازدواج است. اگر آماده ازدواج نیستید، پس آماده این روابط هم نیستید.

معمولاً ما فکر می‌کنیم که شناخت افراد به چگونه لباس پوشیدن آنها و یا داشتن فلان مدل ماشین یا رفتن به رستوران‌های مجلل است که با هم وقت‌های عاشقانه داشته باشیم. بعضی وقتها ما بازیگرهای خیلی خوب هستیم. در چند ساعتی که دختر و پسر با هم وقت می‌گذرانند، خیلی سخت نیست که هر کدام قسمت‌های مثبت و خوب خودشان را به نمایش بگذارند. ولی زندگی که سالها بعد از ازدواج انتظار آنها را می‌کشد، خیلی کم شبیه آن چند ساعتی هست که هم دیگر را ملاقات کردند.

مخصوصاً بعد از آمدن فرزندان و طبیعتاً شرایط سختی که همراه خود دارند، در آن موقع مفهوم زندگی خیلی فرق می‌کند با آن تصویر عاشقانه‌ای که بعضی وقت‌ها جوان‌ها در ذهنشان دارند. ولی برای این که یک شخص را برای آن روزهای سخت زندگی انتخاب کنیم، احتیاج هست که آن شخص را در همان شرایط سخت ببینیم، که چگونه عکس‌العمل و رفتاری از خود خواهد داشت. چون معمولاً خیلی متفاوت خواهد بود با شرایط عادی و روزمره.

همان طور که گفته شد، شخص را می‌توان در کارها و مسافرت‌های بشارتی، در خدمت کلیسای شناخت. برای پسران نکته قابل توجه این است که آن دختر مورد نظرشان نسبت به بچه‌ها چگونه رفتاری دارد، چون آن دختر را مادر آینده فرزندان‌شان تصور می‌کنند، یا این که دست‌پخت او چگونه است. برای دخترها معمولاً مسئولیت‌پذیری و اشتغال پسرها خیلی مهم است. پس به غیر از این که از لحاظ روحانی آماده هستیم، و خداوند جای اول در زندگی ما قرار دارد، خیلی مهم است که مردها هم آن آماده‌گی را داشته

باشند که بتوانند احتیاجات خانواده خود را برآورده کنند. هم چنین خانم ها هم در قسمت خودشان مسئولیت های خود را به درستی انجام دهند. و البته خداوند هست که برکت می دهد. به عنوان فرزندان خدا وقتی که در رابطه آشنایی هستید که هدفتان ازدواج است باید به چند نکته مهم توجه داشته باشید. قبل از بررسی این نکات به یاد داشته باشیم که تا قبل از ازدواج هنوز به عنوان خواهر و برادر با قی می مانیم. وقتی که آماده ازدواج هستیم، قدم بعدی چیست؟

1. خداوند در جای اول زندگی ما قرار داشته باشد.

هدف اصلی شما در این دنیا نباید فقط پیدا کردن شخص خاص و مورد نظر شما باشد، بلکه پیدا کردن رابطه صحیح با خدا باشد. اگر نه همیشه خلنی را احساس خواهید کرد. خدا باید جای اول در زندگی ما داشته باشد، هیچ چیز یا کسی نباید جای خدا را در زندگی ما بگیرد. اولین شرط برای انتخاب همسر باید این باشد که شخص مورد نظر عاشق خداوند باشد. این مانند مثلثی می ماند که دو ضلعش به طرف بالا است و وقتی که ضلع پایین نیز به آن می پیوندد، مثلث کامل می گردد و خداوند از آن خانواده به طور خاصی استفاده می کند.

"در آن زمان، ما همچون شما دستخوش شهوات جسمانی و اسیر تمایلات و افکار نفسانی خود بودیم. درست مانند سایر آدمیان، ..."
(افسیان 2:3)

بعضی ها فکر می کنند که خیلی هم مهم نیست اگر با بی ایمانان در رابطه آشنای بیشتر قرار بگیرند با این امید که می توانند بر آنها تاثیر گزار باشند تا آنها نیز به عیسی ایمان بیاورند ولی معمولاً بیشتر اوقات اینچنین نمی شود. و در نتیجه کشیده شدن یک ایماندارا به سوی دنیا و لذات آن به خاطر دوست داشتن یک شخص بی ایمان بیشتر است. پولس در دوم قرنتیان 6:14 می فرماید:

"از وابستگی های نامناسب با افراد بی ایمان دوری کنید. زیرا چه شراکتی بین نیکی و شرارت است و چه رفاقتی بین روشنایی و تاریکی؟"

2. مشورت و راهنمایی صحیح از شبان کلیسا.

جوانانی که عاشق هستند دوست ندارند که همیشه از دیگران نصیحت و توصیه ها بی بشنوند و حتی اگر هم خواستند مشورتی از دیگران بگیرند، معمولاً پیش افرادی می روند که با آنها هم فکر و موافق باشد، و دوست ندارند که حرفی به ضد تصمیمشان بشنوند حتی اگر آن حرف به نفعشان باشد. به خاطر همین سرشان به سنگ می خورد. سعی کنیم پیش کسی بریم که حتی با ما موافق نباشد، ولی مشاور درستی باشد و خودش نیز در این مورد تجربه داشته باشد. هر چه مشورت درست دریافت کنیم به همان اندازه نیز تصمیم درست برای ازدواج موفق را خواهیم گرفت. در کتاب امثال می خوانیم:

"نقشه ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می گردد؛ اما مشورت زیاد باعث موفقیت می شود. (15:22)

پیروزی در جنگ بستگی به تدبیر خوب و مشورت زیاد دارد. (6:24)

مردم احمق خیال می کنند که همه چیز را خوب می دانند، اما مردم عاقل به نصایح دیگران توجه می کنند. (12:15)

راهی که فکر می کنی راست است، ممکن است به مرگ منتهی شود. (14:12)

3. پاکی و قدوسیت در مرحله آشنای.

خیلی ها فکر می کنند وقتی که قدم به مرحله آشنایی می گزارند، رفتارشان نسبت به همدیگر باید عوض شود، یعنی همه چیز رمانتیک گردد به طوری که می توانند رابطه جنسی نیز داشته باشند. ولی از نظر کلام خدا که همه ما برادر و خواهر هستیم، حتی وقتی که در مرحله آشنای و با هدف ازدواج قدم می گذاریم، تا قبل از ازدواج باید خواهر و برادر باقی بمانیم.

با شخصی که برای آشنایی بیشتر وقت می گزاریم، به یاد داشته باشیم که در مرحله اول آن شخص خواهر ما است. همان طور که دوست داریم با خواهرمان رفتار کنند، با همان دید به آن شخص نگاه کنیم. و اجازه ندهیم که افکار دنیا که از طریق رسانه های گروهی سعی می کنند به خورد مان دهند که وقتی در رابطه آشنای هستیم، حتماً باید همبستر شویم ما را تحت تاثیر قرار دهد. معمولاً مردم در دنیا این آشنای را فقط برای رابطه جنسی در نظر دارند که شهوات بدن خودشان را ارضا می کنند. پولس در افسسیان 5:3 می فرماید هیچ ناپاکی در میان شما نباشد.

"و چنانکه شایسته مقدسین خداست، در میان شما چیزی درباره زنا و بی‌عفتی‌های دیگر و طمع‌کاری بر زیان نیاید."

همه باید ازدواج را محترم بشمارند و پیوند زناشویی را از آلودگی دور نگاه دارند، زیرا خدا زناکاران را خواه مجرد، خواه متأهل به کیفر خواهد رسانید. (عبرانیان 13:4)

"خواست خدا این است که شما پاک باشید و از روابط جنسی نامشروع بپرهیزید. همه شما باید بدانید چگونه بدن خود را همیشه تحت کنترل داشته باشید و آن را پاک و محترم نگاه دارید". (اول تسالونیکیان 4: 3-4).

ازدواج و تشکیل خانواده امر بسیار مهمی است که در آن باید با دعا و مشورت درست قدم برداشت. هم چنین یک ازدواج موفق نتیجه تصمیم درست است: آیا آن دختر را برای هیکل و صورت زیبایش دوست دارید یا برای عشق و غیرتی که برای خداوند دارد؟ آیا مجذوب آن پسر برای وقف زندگیش به خدا یا حرفهای عاشقانه اش به خودتان شدید. به عنوان یک ایماندار، در رابطه آشنای همیشه خود را تفتیش کنید که شخص مورد نظر را برای چه چیز دوست دارید.

بباید اجازه دهیم تا امروز مسیح در ازدواجهای ما نیز جلال یابد. آمین